

## شهرنامه‌ها یا تاریخهای محلی ایران

غلام حسین صدیقی افشار

شاید بهترین مأخذها برای تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران شهرنامه‌ها باشند، که خوشبختانه تعدادشان، با وجود از میان رفتن شمار زیادی از آنها، هنوز بسیار زیاد است. هر چند با توجه به پهناوری سرزمین ایران — منظوم ایران تاریخی یا سرزمین قومهای ایرانی است — این فراوانی عجیب نیست.

در این زمینه، قدیمترین متن شناخته شده موجود، رساله کوچکی به زبان پهلوی است به نام خوبیها و شگفتیهای سیستان که چندبار به فارسی دری و همچنین به انگلیسی ترجمه شده است.

از سده چهارم هجری، با پیدایش دولتهای ایرانی، بار دیگر در مردم گرایش به شناخت ریشه‌های خویش و توجه به گذشتگان فزونی یافت و فاضلان و پژوهندگان به تدوین تاریخها و گردآوری داستانها و اسطوره‌های ملی ایران پرداختند.

یکی از قدیمترین شهرنامه‌ها، تاریخ قم به زبان عربی و تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی در سال ۳۷۸ هجری قمری است، که امروز آن را به یاری ترجمه فارسی اش می‌شناسیم. یعنی، از زمان ترجمه آن در سالهای ۸۰۵ — ۸۰۶، دیگر ذکر و نشانی از متن عربی در دست نیست.

البته حسن بن محمد قمی، مؤلف همین کتاب، از تاریخ قم قدیمتری یاد می‌کند که در زمان او از میان رفته بوده است. از سده دهم به بعد هم تا به امروز، تاریخهای متعددی برای قم — از جمله تاریخ مزارات قم، تاریخ روحانیت قم، تاریخ شهربانسی قم، تاریخ روزنامه‌نگاری قم — نوشته شده است، که علاقه‌مندان می‌توانند شرح مبسوط آنها را در کتاب

زیرببند:

مدرسی طباطبایی: کتاب شناسی آثار مربوط به قم، قم، ۱۳۵۳  
که در آن ۲۹ مأخذ تا پایان عصر قاجار و تعدادی آثار معاصر معرفی شده است.

همچنانکه گفته شد، تاریخ قم تألیف حسن بن محمد قمی در سالهای ۸۰۵-۸۰۶ توسط همشهری او حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی به فارسی ترجمه شده است، ولی این ترجمه تنها چهار باب نخستین و فصل اول از باب پنجم را دارد و از بقیه کتاب که در اصل بیست باب بوده، هیچ نشانه‌ای در دست نیست و حتی نمی‌توان دانست که آیا همه آن ترجمه شده، یا در همین جا ناتمام مانده است.

از بخشهای مهم از دست رفته، می‌توان باب هفدهم را دانست که «در ذکر ادبا و کتاب و امثال ایشان که به قم بوده‌اند، از مثل فیلسوف و مهندس و منجم و نساخ و وراق، با ذکر بعضی از اخبار و رسایل و مصنفات ایشان» بوده است.

ترجمه تاریخ قم را سیدجلال‌الدین تهرانی در سال ۱۳۱۳ تنها از روی یک نسخه چاپ کرد و همین چاپ در سال ۱۳۶۱ توسط انتشارات توس بار دیگر افرست شد. ولی نسخه‌های دیگری هم از آن در دست است و به نظر می‌رسد، با مراجعه به نسخه‌های دیگر و دقت و تحقیق در نامهای آمده و مکانها و تاریخها، بویژه با استفاده از نسخه‌ای که شادروان مجتبی مینوی آن را نویسانده و اینک با شماره ب ۱۴۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است، باید چاپ انتقادی تازه‌ای صورت گیرد.

شادروان مجتبی مینوی در همین نسخه برخی ویژگیهای مهم ترجمه تاریخ قم را با ذکر صفحه فهرست کرده، که برای محققان بسیار سودمند است.

مطالعه همین بخشهای موجود در ترجمه، آگاهیهای فراوانی در اختیار پژوهندگان می‌گذارد. آگاهیهای مبسوط درباره آب و آبیاری، پول مسکوک و دگرگونیهای آن، روش وصول مالیات، دامداری، کشاورزی، سازمان اداری، مرکزیت یافتن این شهر به عنوان یکی از پایگاههای شیعه، برخی از فایده‌های این کتاب است.

در اینجا نمونه‌هایی را نقل می‌کنیم تا هم نشان دهنده محتوای کتاب باشد و هم معرف سبک ترجمه:

۱. اشاره به نوعی برقیگر

«بر سر کوهی که آن را کوه خور گویند - و آن کوه چنان بلند است که هیچکس قادر نیست که بر آنجا رود - جوسقی<sup>۱</sup> بنا کرده است مثل مناره، درازی آن سی گز و بر سر آن نیزه دراز نشانده است و بر سر آن دو مورش<sup>۲</sup> آویخته است، یکی منع برق و سرما می‌کند و یکی منع بادها، باذن الله تعالی.» (ص ۶۷).

## ۲. منابع آب و روش تقسیم آب

«در ایام عجم به قم کاریزهای بسیار بوده‌اند و خراب شده‌اند و فرود آمده و آثار آن ناپدید شده؛ چون عرب به قم آمدند، زیاده بریست کاریز آب بیرون آوردند و روان گردانیدند و آنها اینند که ذکر خواهد رفت... آب این کاریزها در رودخانه می‌انداختند و بیشتر آن به ضیعتها و مزارع می‌بردند و در جویهایی که از سر رودخانه‌ها برگرفته بودند تا آن ضیعتها و مزارع؛ و بعضی از آن آب در جویهای کوچک روانه گردانده بودند تا به قصبه بلده ممجان، یعنی نفس شهر قم از برای باغات و بساتین و از برای آنک در زمستان در چاههای محجر نهند و دیگر منافع و مصالح تا غایت که در بیشترین مواضع و محلثها و در بهای قم این آب بر ظاهر روان بود و بعضی از آن در زیر زمین به گنگها و گوها روان کرده بودند از برای کارخانه‌ها و حوضهای بزرگ و جایها که آب از آن کشند و انبارت یعنی برکه‌ها تا هرکس که می‌خواهد از آن جویها به باغچه‌ها و بستانها و حمامات و سایر مصلحتها از عمارات و غیر آن می‌برد و به آسانی و سهولت بی‌مشقتی و زحمتی... و این کاریزها جاری و روان بودند و آنها بر ظاهر شهر و داخل آن می‌رفت چنانچ باد کردیم تا آخر روزگار عجم. پس این کاریزها روی در نقصان نهادند و به اندک روزگاری خراب شدند و قورجات آن، یعنی در کاریزها و مستقها که در زمین کنده بودند، باقی مانده بود و اثر آن ظاهر بود. پس چون احمد بن علی المرورودی به قم آمد و والی قم شد، قومشان<sup>۳</sup> را به بیرون آوردن آب این کاریزها بداشت و مالی بسیار بر آن خرج کرد و آبهای آن بگشاد و به شهر روان گردانید... چون احمد از قم رفت، دیگر باره آب باز ایستاد... تا آنگاه که مؤیدالدوله... به بیرون آوردن آب بعضی از این کاریزها قیام نمود...» (ص ۴۰-۴۳).

«مستقه عبارت از آهنی است مانند ذراع که بر آن علامات و نشانها اند که بدان آب قسمت می‌کنند. هر علامتی دلیل است بر مقدار مستقه و بعضی دیگر گویند که مراد از مستقه جزویست از اجزای این آب و ناوقه عبارت است از آن مقدار آب که شخصی در میان آب رود و به مقدار یک گز میان هردو پای بگشاید و آب به زیر هردو زانو او اوبرسد. آن مقدار آب ناوقه گویند و گویند که ناوقه عبارت از آن است که مردی در میان آب رود و هردو سر زانو بر زمین نهد و به مقدار یک گز میان آن گشاده دارد و هردو الیه<sup>۴</sup> خود از زمین بردارد و آن مقدار که از آن فرجه بیرون رود، آن را ناوقه گویند، به شرط آنک میان هردو زانو از آنجا که زانو بر زمین زده باشد نشیب‌تر و فروتر نباشد.» (ص ۴۳).

«ذکر صورت آب رودخانه‌ها و کیفیت منبع و منشأ آن به قم» (ص ۴۷).

«ذکر جویهای قم و نواحی آن» (ص ۵۰).

## ۳. تأسیسات:

«ذکر عدد راهها و دروازه‌ها و میدانها و مسجدها و حمامات<sup>۵</sup>... و ذکر باروی کهنه و نو... و ذکر سراهای خراج و دارالضرب و سراهای حکام و ولات و زندانها.»

## ۴. مالیات:

در تاریخ قم شرح بسیار مفصل و دقیقی آمده از اقسام مالیاتها و میزان آنها و شورشهایی که بر اثر آن در قم روی داده است. از جمله ویژگیهای اخذ مالیات در قم، انتخاب شخصی بوده از سوی مالیات‌دهندگان برای گردآوری مالیات و تحویل آن به حکومت، که او را جهیز می‌خوانده‌اند.

یکی از جالبترین نکات ذکر روضه‌هایی است که مردم برای فرار از مالیات به کار می‌بردند: «به من چنین رسانیدند از بعضی از ایشان که شاخهای کوچکتر از درخت می‌گرفتند و پسران خرد خود را به روی خود درمی‌انداختند و بدان چوبها ایشان را می‌زدند و در زبان ایشان می‌نهادند: الله، الله، ای استاد اندیشه کن در حال من. بحقیقت که زنگار درغله من افتاد و آن را تباه گردانید و کرم واقع شد در پنبه زار من و آن را بخورد و آنچه باقی ماند، ملخ بکلی بخورد. کودک در زیر چوب این کلمات تکرار می‌کرد و باز می‌گفت تا آنگاه که یاد می‌گرفت. چنانچ به وقت حاجت بدان مستظهر می‌شد.» (ص ۱۶۳).

## ۵. کشاورزی و محصولات کشاورزی:

از نکات جالب وجود باغهای انگور و زعفران، پنبه زارها و کشت اقسام حبوبات است، که در حال حاضر یا یکسره از میان رفته (مانند زعفران و پنبه) یا بسیار کاهش یافته است.

## ۶. فواید دیگر:

ترجمه تاریخ قم یکی از ساده‌ترین نثرهای زبان فارسی را دارد و با توجه به اینکه در یکی از بدترین دوره‌های نثر فارسی (آغاز سده نهم) نوشته شده، نثرش درست و سالم، و در عین حال خالی از واژه‌های غریب عربی، مغولی و ترکی است. بررسی نام‌آبادیها و مکانها و تغییراتی که در آنها روی داده، از لحاظ زبان‌شناسی می‌تواند بارزش باشد.

همچنین، تاریخ قم از لحاظ شناخت روابط ایرانیان و فاتحان عرب، نحوه استقرار و بومی شدن اعراب و استحاله تدریجی دوطرف در یکدیگر بسیار جالب و خواندنی است. همچنان که گفتیم، قم از لحاظ داشتن تاریخ مدون از خوشبخت‌ترین شهرهاست و پژوهنده کوشا می‌تواند با بهره‌گیری از آنها، از جمله با تطبیق همین ترجمه تاریخ قم با تاریخ دارالابان قم تألیف محمدتقی بیک ارباب، که در سال ۱۲۹۵ قمری تألیف شده و خوشبختانه چاپ

هم شده است، تصویری از تحولات کشاورزی، آبیاری یا بافت شهری قم را به دست آورد.

بی‌نوشتها:

- ۱- جوسق = کوشک
- ۲- مورش = خرمهره، مهره
- ۳- معرب کموش که در بعضی ولایات ایران چاهکن را گویند.
- ۴- به معنی دنبه و در اینجا مقصود باسن یا لبر است.
- ۵- ذکر مسجدها و حمامها در متن سفید است و نوشته یا ترجمه نشده است.



### پژوهش‌های تاریخی نوروز چیست؟

نخستین روز است از فروردین ماه و زینجهت روزنونام کردند، زیراک پیشانی سال نواست، و آنچه از پس اوست ازین پنج روز همه جشنهاست، و ششم فروردین ماه نوروزبزرگ دارند، زیراک خسروان بدان پنج روز حقه‌ای حشم و گروهان بگزاردندی و حاجتها روا کردندی، آنگاه بدین روز ششم خلوت کردندی خاصگان را، و اعتقاد پارسیان اندر روز نوروز نخستین، آنست که اول روزیست از زمانه و بدو فلک آغازید گشتن.

التفهيم لا و ابل صناعة التنجيم  
ابوريحان بيروني